

مسئولیت های انسان از دیدگاه قرآن و روایات دلایل ناکارآمدی و راه های کاربست آنها در تربیت

نویسنده: علی حیدری^۱

استاد راهنما: حجت الاسلام علی اکبر دهقانی اشکذری

چکیده

انسان نسبت به اطرافیان خود بیگانه نیست؛ بلکه حتی نسبت به بدن خود نیز مسئول است. در آیات و روایات فراوانی به مسئولیت های گوناگون انسان در قبال خدا، خود، دیگر انسان ها و حتی طبیعت اشاره شده است. تأکید روایات بر لزوم پاسخگو بودن و مسئولیت در قبال خانواده، پیامبران، نعمت های الهی و حتی عقل و عمر نشان از توجه مؤکد دین به مقوله مسئولیت دارد. بسیاری از مسائلی که در حوزه دین بر آنها تأکید شده بی ارتباط با حوزه های دیگر نیست و می تواند نقش آفرین باشد.

نویسنده در صدد است که علاوه بر بیان مسئولیت های انسان با تأکید بر آیات و روایات، ابتدا با ذکر عوامل مسئولیت گریزی، از آسیب هایی که می تواند به خصیصه مسئولیت پذیری وارد کند جلوگیری کرده و سپس با به کارگیری حس مسئولیت پذیری با روش هایی مانند ایجاد انگیزه، ابتلا و آزمون و توجه دادن به پیامدها و نتایج اعمال، نقش اساسی آن را در زمینه تربیت مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه ها: مسئولیت، تربیت، مسئولیت گریزی، حس مسئولیت پذیری.

مقدمه

با دقتی ساده در عالم هستی به روشنی متوجه می‌شویم که همه موجودات و اشیا دارای مسئولیت هستند و چیزی یا کسی نیست که بار مسئولیت را به دوش نکشد و به خود واگذار شده باشد. به طور کلی اگر پدیده‌ای از عالم کائنات، آنی از وظیفه خود سر باز بزند و بار مسئولیت خویش را از دوش بردارد، همه نظام به هم می‌خورد و بسیاری از موجودات نابود می‌شوند.

بنابراین همه ذرات هستی دارای مسئولیت هستند و بدیهی است انسان که سرآمد عالم آفرینش است، مسئولیت سنگینی دارد. تفاوت مسئولیت سایر موجودات با انسان در این است که مسئولیت آنها جبری و بر حسب عالم تکوین است؛ حتی موجودات مجرد مانند ملائکه نیز به گونه‌ای مجبورند؛ ولی مسئولیت انسان با اختیار است.

قرآن و روایات به مسئولیت‌های انسان و ابعاد گوناگون آن در حیطه زندگی بشر پرداخته است و انسان را از لحاظ فردی و اجتماعی، موجودی مسئولیت‌پذیر تلقی می‌کند. این مسئله موجب شد بشر همواره به سمت وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری گرایش پیدا کند.

در حوزه تربیت، استفاده از ابزارهای مختلف کارآمد، از جمله توجه به مسئولیت‌های انسان، می‌تواند ابزاری مناسب برای تربیت باشد. نویسنده در این مقاله در صدد است علی‌که انسان را از مسئولیت‌های خود دور می‌کند و همچنین شیوه‌های به کارگیری مسئولیت در حوزه تربیت را با استعانت از آیات و روایات به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای بیان نماید.

به نظر می‌رسد با فحوصی که از سوی نویسنده این نوشتار صورت گرفته توجه به مسئولیت‌های انسان در حوزه تربیت در بین مقالات وجود ندارد و از این رو سعی شده در این مقاله این مسئله مورد توجه قرار بگیرد.

مفهوم شناسی

۱. تربیت

تربیت به لحاظ لغوی از ماده «ربو» به معنای افزودن و رشد کردن (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۳۴۰) و «علو» (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۱۶، ص ۲۳۵۰) آمده که در فارسی معنای پروراندن و پروردن بر آن اطلاق شده است. (دهخدا، ۱۳۳۵، ج ۱۳، ص ۵۵۰) این معنا متضمن آن است که کسی که بالقوه دارای خصوصیت رشد و کمال است و در حال حاضر فاقد آن است، واجد آن شود. (کاردان، ۱۳۹۵، ص ۳۳۶) شهید مطهری رحمته الله علیه در این رابطه می نویسد:

پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن. بنابراین با صنعت (ساختن) به معنای اینکه شیء یا اشیائی را تحت یک نوع پیراستن ها و آراستن ها قرار می دهند و یا اجزا و اشیائی را با هم ترکیب می کنند و نظمی میانشان برقرار می سازند، متفاوت است. (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۵۶ و ۷۶)

در اصطلاح علم اخلاق، تربیت عبارت است از هرگونه فعالیتی که معلمان، والدین یا هر شخص دیگری به منظور اثرگذاری بر شناخت نگرش اخلاق و رفتار دیگری بر اساس اهداف از پیش تعیین شده انجام می دهد. اهداف و محتوای تربیت نسبت به هر فرد، گروه یا مکتبی متفاوت است. (داوودی، ۱۳۹۱، ص ۱۰)

۲. مسئولیت

مسئولیت به معنای ضمانت و تعهد است. مسئولیت چیزی با کسی بودن یعنی به گردن او، در عهده او، در ضمان و پایبندی او بودن است. (دهخدا، ۱۳۳۵، ج ۱۲، ص ۱۸۴۶۵) بنابراین هرگاه انسان متعهد به انجام کاری می شود در حقیقت مسئولیت انجام آن کار را پذیرفته است. هر فرد از

جهات گوناگون در برابر تکالیفی، مسئولیتی به عهده دارد؛ چراکه انسان در رابطه با سطوح مختلف نوع مسئولیتش نیز متفاوت خواهد بود. ابعاد مختلف مسئولیت پذیری مانند مسئولیت انسان در برابر خالق، در برابر خویش، در برابر خانواده و جامعه و محیط زیست است.

انسان مسؤل در آیات و روایات

در آیات زیادی از مسؤل بودن سخن به میان آمده و هر زمان صحبت از مسئولیت و حسابرسی باشد یعنی فرد توانایی و استعداد انجام اموری را داشته و باید به انجام آنها اقدام نماید. این آیات به صراحت مورد سؤال و بازخواست بودن انسان در آخرت نسبت به تعهداتش در دنیا را یادآوری کرده است. در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. مسئولیت‌پذیری انسان در نظام آفرینش

قرآن، مسئولیت‌پذیری انسان را بزرگ‌ترین افتخار بشر می‌داند و می‌فرماید:

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾. (احزاب: ۷۲) به راستی ما امانت خود را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم؛ ولی آنها سر باز زدند و از حمل این بار سنگین امتناع کردند و اظهار ناتوانی نمودند و از این کار هراس داشتند؛ اما انسان آن را بر عهده گرفت.

علامه طباطبایی رحمته الله علیه در المیزان ذیل این آیه می‌نویسد:

منظور از عرضه کردن امانت بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها، سنجیدن قابلیت آنها برای حمل آن است و منظور از خودداری کردن آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها از حمل آن، قابلیت نداشتن آنها برای حمل این امانت است و مقصود از اینکه انسان آن را حمل کرد، این است که او توان و استعداد دریافت آن را داشته است. (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۳۴۹)

۲. مسئولیت انسان نسبت به افعال خود

قرآن همه انسان‌ها را نسبت به عملکردشان پاسخگو می‌داند: ﴿لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْئَلُونَ﴾؛ (انبیا: ۲۳) «در آنچه خدا انجام می‌دهد چون و چرا راه ندارد؛ ولی آنان (انسان‌ها) سؤال

خواهند شد».

در جایی دیگر درباره پرسشگری خداوند از کسانی که عملکردهای نامطلوب در اجرای احکام دین داشتند آمده است: ﴿فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾؛ (حجر: ۹۲ و ۹۳) «پس سوگند به پروردگارت که از همه آنان از آنچه انجام داده اند، خواهیم پرسید».

۳. مسئولیت در برابر اعضای بدن

انسان برای سیر و سلوک الهی، بدن سالم می خواهد. جسم، مرکب روح است و اگر ناسالم باشد، صاحب آن به پیشرفت علمی و معنوی نخواهد رسید. آدمی آن گاه تعادل فکری دارد که از جسمی سالم بهره مند باشد. بنابراین مسئولیت نگهداری از جسم نیز مهم و سنگین است که البته نباید در تأمین نیازهای آن افراط و تفریط صورت بگیرد با این حال برخی از افراد به بهانه مراقبت از جسم همواره می کوشند تا راحتی و آسایش آن را فراهم آورند؛ تا آنجا که حتی در تأمین لقمه حلال، دقت لازم را ندارند.

خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنَّهُ مَسْئُولًا﴾؛ (اسراء: ۳۶) «و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن؛ زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد».

عقل به عنوان یکی از اعضای مهم و کلیدی بدن، راهبر انسان در مسیر زندگی و دربردارنده قوای استعداد و تشخیص انسان است. آدمی به کمک عقل خویش به کشف ناشناخته ها می پردازد و پرده از مجهولات برمی دارد و می تواند زندگی دنیوی و اخروی را آباد و راحت سازد. بنابراین به کارگیری عقل در جایگاه خود، امری ویژه به شمار می آید و نتیجه آن مسئولیت شناسی و مسئولیت پذیری در حوزه عقل و خرد است. از این رو امام علی علیه السلام نقش عقل را جداکننده راه رستگاری از شقاوت می داند و می فرماید: «بردباری، پرده ای است پوشنده و عقل، شمشیری است برنده. پس عیب های اخلاقت را به بردباری پیوش و با هوای نفست به نیروی عقلت بیکار کن».

(نهج البلاغه، حکمت ۴۲۴)

نحوه استفاده آدمی از بدن و حفاظت درست از آن، موضوعی است که مورد سؤال قرار می گیرد. بدن محملی است که خداوند در اختیار انسان قرار داده تا چند صباحی حامل روح او باشد و نعماتی را نصیبش کند و از انسان خواسته است که نسبت به آن حساس و وظیفه شناس

باشد. از این رو امام علی علیه السلام فرمود: «چیزی را که نمی دانی مگویی؛ حتی بسیاری از چیزهایی را که می دانی، بر زبان میاورد؛ زیرا خداوند بر اعضای تو احکامی واجب کرده که در آن روز به آنها بر تو حجت خواهد آورد. (نهج البلاغه، حکمت ۳۸۲)

۴. مسئولیت در برابر نعمت های الهی

در وجود انسان نعمت هایی است که باید در این جهان به ثمر و بهره وری برسد و در راه صحیح که همان مسیر تکامل انسانی است، استفاده شود. با یک نگرش عمیق و وسیع، تمام امکانات مادی و معنوی در دنیا و استعداد های نهفته انسان از نعمات الهی هستند که در قیامت از آنها سؤال می شود: «ثُمَّ لَنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»؛ (تکواثر: ۸) «سپس در همان روز است که از نعمت های روی زمین پرسیده خواهید شد».

از نعماتی که حضرت حق به انسان ارزانی داده عمر گران بهاست تا با بهره گیری درست از آن، راه سعادت را به روی خود هموار کند. از این رو آدمی در برابر آن و کیفیت بهره وری از آن مسئول است.

امام علی علیه السلام می فرماید:

شب و روز مؤمن به سه برنامه می گذرد: بخشی با راز و نیاز با خدا، بخش دیگر به تأمین معاش و قسمت دیگر به بهره برداری نیکو از لذت های حلال. عاقل نباید جز در پی این سه باشد: تأمین زندگی، گامی در راه رستخیز و لذت حلال. (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۰)

۵. مسئولیت در برابر خانواده و خویشاوندان

خانواده کوچک ترین و اساسی ترین واحد تربیت دینی را تشکیل می دهد. از منظر قرآن هر یک از اعضای خانواده باید یکدیگر را در رشد و تکامل معنوی یاری کنند و از سقوط و تباهی فراری بدهند. با نگاهی به سیره انبیا در قرآن درمی یابیم که آنان توجه ویژه ای به هدایت همسر و فرزندان خود داشتند و حتی پیش از ولادت فرزندان خود از خداوند طلب هدایت و پاکی آنان را نمودند. از این رو خداوند می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ»؛ (تحریم: ۶) «ای کسانی که ایمان آورده اید، خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ هاست، حفظ کنید».

در دین اسلام نسبت به رسیدگی به امور خانواده و رفع مشکلات آنها بسیار تأکید شده است؛ برای مثال امام علی علیه السلام می‌فرماید:

بدانید که هیچ‌یک از شما نباید از خویشاوندی که گرفتار فقر و بینوایی است، روی یاری برگرداند؛ باید که به مالی یارش اش دهد که اگر انفاقش نکند، بر دارایی اش نیفزاید و اگر انفاقش کند، سبب نقصان در مال او نشود. هر کس که دست یاری از عشیره خود فرو بندد، یک دست از یاری آنان کاسته شده، ولی او از یاری دست‌های بسیاری خود را محروم داشته است. هر کس که با اطرافیان خود به مدارا رفتار کند، همواره دوستی و مودت آنان را نصیب خود ساخته است. (نهج البلاغه، خطبه ۲۳)

گستره مسئولیت‌های انسان نه تنها شامل انسان‌ها و جامعه انسانی، بلکه شامل محیط زیست و حیوانات نیز می‌شود. اینها همه نشان از اهمیت موضوع دارد. در این رابطه امام علی علیه السلام می‌فرماید: «از خدا بترسید، در حق بندگانش و بلادش؛ زیرا شما مسئولید حتی در برابر زمین‌ها و ستوران». (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷)

این موارد حاکی از مسئولیت انسان در برابر طبیعت مانند هوا، آب‌ها، جنگل‌ها، مراتع، حیوانات و گیاهان است و اعمال انسان در محیط زیست بر آنها اثر خواهد گذاشت. (دین‌پرور، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۶۹۲)

۶. مسئولیت متقابل امام و امت

نمایان ساختن گوهرهای کمال انسانی، دمیدن روح توحید در کالبد افسرده کافران و مشرکان و برافراشتن پرچم هدایت برای نجات گمشدگان وادی ضلالت از روشن‌ترین مصادیق رسالت انبیای الهی است. از این رو خداوند، هم از چگونگی عملکرد پیامبران و هم از امت‌های هدایت‌شده خواهد پرسید: «فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ»؛ (اعراف: ۶) «به یقین، [هم] از کسانی که پیامبران به سوی آنها فرستاده شدند، سؤال خواهیم کرد و هم از پیامبران سؤال می‌کنیم».

۷. مسئولیت انسان به عنوان فرد مسلمان در برابر جهان اسلام

مسلمانان یک امت واحده‌اند. پس باید شریک درد و رنج یکدیگر باشند، با کمک هم مشکلات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی یکدیگر را حل کنند و نسبت به حوادثی که در اقصانقاط کشورهای اسلامی پدید می‌آید، حساسیت نشان دهند. همچنین در برابر هجوم دشمنان اسلام به

مرزوبوم فرهنگی و جغرافیایی جهان اسلام، به دفاع برخیزند و هم کیشان خود را از چنگال دشمنان و عوامل وابسته به آنان نجات بخشند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتُمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶۳) «کسی که صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد، مسلمان نیست». همچنین درباره مسئولیت مسلمانان نسبت به پاسخگویی به استغاثه دیگران می فرماید: «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا الْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۹۳) «کسی که صدای مردی را که مسلمانان را به کمک فرامی خواند، بشنود و جواب نگوید، مسلمان نیست».

علل مسؤلیت‌گریزی

هرچند انسان به لحاظ زندگی اجتماعی اش ناگزیر از مسؤلیت‌پذیری است، اما این خصیصه نیز مانند هر پدیده‌ای دیگر، عوامل و آفت‌هایی پنهان و پیدا دارد که اگر چاره‌سازی نشود و در دفع آن، اقدامی جدی صورت نگیرد، این موضوع با خطر جدی روبه‌رو شده می‌شود و زیان‌هایی غیر قابل‌جبرانی به ایجاد می‌کند.

در ادامه به چند مورد از عواملی که ممکن است به مسؤلیت‌گریزی بینجامد، اشاره می‌کنیم:

۱. بی‌ایمانی و بی‌اعتقادی

دین و مذهب، پشتوانه‌ای محکم برای ارزش‌های اخلاقی و انسانی است. اگر انسان باور داشته باشد پس از این جهان، دنیایی دیگر است و هر شخصی در آنجا نتیجه رفتار خود را می‌بیند، این باور او را از هنجارگریزی‌ها باز می‌دارد و او را به پذیرش مسؤلیت‌های خود وادار می‌کند؛ اما اگر از این باورها تهی باشد، خوب و بد برای او یکسان جلوه می‌کند و بی‌هیچ بهانه‌ای از زیر بار مسؤلیت می‌گریزد. قرآن کریم در اشاره به تأثیر بی‌ایمانی در رفتار انسان می‌فرماید: «بدکاران در پاسخ این سؤال که چه چیز شما را به دوزخ آورده است، می‌گویند: نماز نمی‌گزاردیم، بینوایان را غذا نمی‌دادیم، با هرزه‌دُریان هرزگی می‌کردیم و روز جزا را دروغ می‌شمردیم». (مدثر: ۴۳-۴۶)

همان‌طور که روشن است این آیه حاکی از رابطه عمیق میان بی‌دینی و مسؤلیت‌گریزی است؛ چه این مسؤلیت نسبت به خدا (عدم نماز گزاردن) و چه نسبت به هموعان (عدم احسان به نیازمندان) باشد.

۲. تحریف مسؤلیت

در فرهنگ اسلامی، مسؤلیت به معنای پاسخگویی و خدمت صادقانه است و کسی که

مسئولیتی را می‌پذیرد، باید به فکر سنگینی مسئولیت و تعهد خطیر آن باشد و طبق فرموده امام علی علیه السلام خود را موظف به پاسخگویی به خدا، زبردست و بالادست بداند؛ (نهج البلاغه، نامه ۵) اما باید به این حقیقت تلخ اعتراف کرد که امروز مسئولیت از معنای واقعی خود منحرف شده و از آن به معنای در رأس واقع شدن و ربودن گوی سبقت در مسابقه قدرت تبدیل گشته است.

نه تنها مسئولیت، که مفهوم «خدمت» نیز دگرگون گشته است و به گونه‌ای دیگر تفسیر می‌گردد؛ زیرا خدمت به معنای کار و عمل است و «مستخدم» به کسی گفته می‌شود که تعهد کرده تا در مقابل حقوق دریافتی، کاری را به سرانجام رساند؛ ولی همین مفهوم نیز از معنای حقیقی خود فاصله گرفته است و از آن داشتن شغل ثابت و حقوق تضمین شده برداشت می‌شود.

۳. راحت طلبی و تن آسایی

شریعت اسلام به موازات دعوت به تلاش و تکاپو، از سستی و تن آسایی منع کرده است و آن را مایه پیامدهایی مانند ناکامی، عقب ماندگی، حسرت و ندامت، محرومیت از حقوق مسلم خود و فقر و تنگدستی دانسته است. یکی از پیامدهای تن آسایی، مسئولیت‌گریزی است: «مَنْ كَسَلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقًّا» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۶۸) «هرکس تنبلی کند، هیچ حقی را ادا نمی‌کند».

تن آسایان که پذیرش مسئولیت را با راحتی خود در تضاد می‌دانند، زیر بار مسئولیت نمی‌روند و آن را به دیگران وامی‌نهند و اگر مسئولیتی بپذیرند، آن را آن‌گونه که باید به سرانجام نمی‌رسانند. امام علی علیه السلام در نکوهش راحت طلبی برخی لشکریان خود در جنگ نهروان فرمود:

آگاه باشید! به حق خدایی که جانم در کف قدرت اوست، سربازان معاویه بر شما پیروز خواهند شد؛ البته نه به این دلیل که مرام و موضعشان به حق نزدیک تر است، بلکه از این رو که شتابشان در اجرای دستورهای باطل فرمانده‌شان، از عمل شما در اجرای دستورهای بحق من بیشتر است. (نهج البلاغه، خطبه ۹۷) (وطن دوست، ۱۳۸۸، ص ۱۰۰-۱۰۶)

روش های ایجاد حس مسؤلیت پذیری

انسان موجودی است دارای عقل، اراده و اختیار که این اختیار و اراده نشان می‌دهد انسان قابلیت ایستادگی در برابر موقعیت‌ها و حتی تأثیرگذاری بر شرایط را داراست و توانایی پاسخگو بودن در برابر کارها و عملکرد خود در موقعیت‌های مختلف در او نهادینه است. این مبنا در مورد انسان، امری پذیرفته شده از سوی عقل و نقل می‌باشد و بر اساس این مناسبت که می‌توان به اهمیت اصل مسؤلیت در تربیت نیز پی برد.

در مکتب اسلام، اگرچه انسان مکلف باید از برخی الزام‌های بیرونی تبعیت کند و تخطی از آنها مجازات در پی خواهد داشت، اما انسان به جای پیروی صرف از الزام بیرونی باید متصف به خصلتی شود که از درون او را به انجام تکالیف و امور ملزم کند و این همان احساس مسؤلیت است. فردی که در برابر انجام یا ترک عملی احساس مسؤلیت می‌کند، خود را تحت تأثیر بایندی از درون می‌بیند که هم الزام‌آور است و هم برعکس الزام بیرونی که ممکن است انسان نسبت به آن احساس بیگانگی داشته باشد، احساس بیگانگی دارد. (باقری، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵)

متصف شدن انسان به این اصل در تربیت، هم در امور مربوط به دنیا و هم در آخرت او را موفق خواهد نمود. در روش‌های اجرایی کردن این اصل در سیر تربیت نیز می‌توان از قرآن الگو گرفت که چگونه در برنامه تربیتی خویش برای رشد این اصل، انسان را رهنمون کرده است. در تربیت برای متوجه نمودن انسان به اینکه او نسبت به خدا، خود و دیگران مسؤل است، می‌توان از سه روش سخن گفت: توجه دادن به نتایج و پیامدهای اعمال، ایجاد انگیزه و ابتلا و آزمون.

۱. توجه دادن به نتایج و پیامدهای اعمال

در این روش، خداوند انسان را در برابر نتیجه اعمالش نشانده تا با تفکر در آنها متوجه شود که نتیجه اعمال او چه خواهد بود تا نسبت به آنچه به سود خود اوست آن را انجام دهد؛ چراکه

وقتی انسان پیامد عمل خود را بداند، انگیزه مناسب از درون برای انجام یا ترک یک عمل را پیدا خواهد کرد. در این روش، از نهي و امری استفاده نشده؛ بلکه بر اساس آنچه هر شخص از حب ذات در اوست، او را متوجه این مسئولیت کرده است. توجه دادن انسان به آنچه در پیش رویش هست، از روش های مسئولیت پذیر نمودن متربی است.

در قرآن مواجهه فرد با نتایج اعمالش به دو شیوه انجام شده است:

الف) دریافتن

آیات قرآن آگاهی های ارائه شده از سوی پروردگار عالم به انسان هاست و از طرفی همه انسان ها دارای زمینه پذیرش هدایت و دریافت آگاهی از جانب خداوند هستند. قرآن، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و برهان های ارائه شده از جانب خداوند، پیام آور بینش و آگاهی برای انسان است که در جهت کمال و منافع انسان قرار دارد و نفع و ضرر انسان در گرو پذیرش یا عدم پذیرش این بینش هاست که مقوله مسئولیت های انسان، از مصادیق همین آگاهی ها به شمار می رود. قرآن کریم می فرماید:

﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾. (انعام: ۱۰۴)

دلایل روشن، از طرف پروردگارتان برای شما آمد. کسی که به وسیله آن حق را ببیند، به سود خود اوست و کسی که از دیدن آن چشم بپوشد، به زیان خودش می باشد.

این خطابی است که پیغمبر نسبت به مردم داشت و سپس فرمود: «ای مشرکین! در کار خود مختارید؛ اگر خواستید، با این احتجاجات بصیرت بیابید و اگر نخواستید، نسبت به فهم آن به همان کوری خود باقی بمانید». اینکه درباره بصیرت و بینایی فرمود «فلنفسه» و درباره جهالت و کوری فرمود «فعلیها» به آن دلیل بوده که بصیرت یافتن آنان به نفعشان، و جهالت و کوریشان به ضررشان است. (طباطبایی، بی تا، ج ۷، ص ۳۰۲)

ب) دیدن

طبق برخی آیات، انسان با نتایج اعمالش روبه رو می شود و خداوند خواسته است که آثار ناگوار اعمال انسان بر وی اصابت کند: ﴿مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ﴾. (نساء: ۷۹) در این روش که چشاندن اعمال به عامل است، موجب می گردد که متربی امکان بازگشت از خطا را دریابد. (باقری، ۱۳۸۲، ص ۱۰۷)

۲. ایجاد انگیزه در فرد

این روش مخصوص کسانی است که ایمان به دل آنان راه یافته باشد. به این ترتیب، روش پیشین مقدمه بر این روش است؛ زیرا در روش قبل با تکیه بر حب ذات، شخص به ایمان دعوت می شود و با حصول ایمان می توان او را به تکالیف دعوت نمود. در آیاتی که خداوند ایمان آورندگان را با عبارات های «إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» خطاب قرار داده، از این شیوه استفاده کرده است. در این روش، هدف به وجود آوردن جنبشی در درون فرد است که حاصل آن، احساس تکلیف در انسان است؛ زیرا گاهی اوقات مکلف در ظاهر کاری را انجام می دهد. اما در باطن هنوز مقاومتی نسبت به آن عمل دارد. در اینجا است که خداوند با در تنگنا قرار دادن مؤمنان، به آنان می فهماند که یا از دین خود دست بردارند یا در نزاع عقل و احساس پیروز شوند و این چنین احساس تکلیف را در انسان بیدار می کند. (همان)

۳. ابتلا و آزمودن

خداوند در مقام تربیت انسان، او را به دو گونه دچار بلا و امتحان می سازد: تنگدستی یا غنا و دشواری یا راحتی. فرد در تنگدستی و دشواری به صبر، در غنا و راحتی به شکر آزموده می شود: «وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ»؛ (انبیاء: ۳۵) «و شما را با بدی ها و خوبی ها آزمایش می کنیم و سرانجام به سوی ما بازگردانده می شوید».

اثر مهم این روش تربیتی آن است که فرد را زبده می کند تا خود او پستی ها و بلندی ها را یاد بگیرد و با خوشی ها و ناخوشی ها کنار بیاید و در هر یک توان معینی را در خودش به وجود بیاورد. (باقری، ۱۳۸۲، ص ۱۰۷) با این بیان، یک مربی با الگوگیری از روش هایی که خداوند برای مسئولیت پذیر نمودن انسان به عنوان یک متربی استفاده کرده، می تواند در مسیر تربیت انسان او را همراهی کند و به ثمره بهتری دست یابد.

نتیجه‌گیری

مسئولیت به معنای ضمانت است و فردی که مسئولیت انجام کاری را به عهده می‌گیرد، متعهد می‌شود آن کار را انجام بدهد. با توجه به تعالیم دینی، انسانی که در عالم وجود مسئولیت‌هایی در قبال خود (مانند مسئولیت در قبال اعضای بدن و افعال صادره از خود)، خداوند (مانند مسئولیت در برابر نعمات الهی و مسئولیت در برابر فرستاده‌های او به عنوان مرسل)، سایر انسان‌ها (مانند مسئولیت در برابر خانواده و خویشاوندان) و طبیعت بر دوش او نهاده شده است، باید به خصلتی متصف بشود که از درون او را به انجام این تکالیف و مسئولیت‌ها ملزم، و ایجاد حس مسئولیت‌پذیری کند. این موضوع در آیات و روایات فراوانی بررسی شده و این، نشان از اهمیت بالایی مسئولیت‌پذیری انسان است.

در حوزه تربیت، برای متوجه کردن افراد نسبت به مسئولیت‌هایی که بر دوش آنها نهاده شده است و ملزم به انجام آن هستند، از روش‌هایی برگرفته از تعالیم اسلام مانند توجه دادن به نتایج و پیامدهای اعمال، ایجاد انگیزه در افراد و ابتلا و آزمون استفاده می‌شود. بیان علل مسئولیت‌گریزی نیز می‌تواند آنها را در مسیر مسئولیت‌پذیری و انجام تکالیف کمک کند. شناخت علل مسئولیت‌گریزی برای مربی نیز مفید است؛ چراکه وقتی اینها را شناخت می‌کوشد با از بین بردن اینها، در تربیت موفق‌تر باشد.

منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳)، **من لا یحضره الفقیه**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. باقری، خسرو (۱۳۸۲)، **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، تهران، مدرسه.
۳. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶)، **صاحح**، بیروت، دارالعلم للملایین.
۴. داوودی، محمد (۱۳۹۱)، **سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام**، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۵)، **لغتنامه**، تهران، سیروس.
۶. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲)، **ارشاد القلوب**، قم، الشریف الرضی.
۷. دین پرور، سیدجمال الدین (۱۳۹۴)، **دانشنامه نهج البلاغه**، بی جا، مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴)، **مفردات الفاظ قرآن**، بیروت، دارالعلم.
۹. طباطبایی، سیدمحمد حسین (بی تا)، **المیزان**، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۰. کاردان، علی محمد (۱۳۹۵)، **درآمدی بر تعلیم و تربیت**، تهران، سمت.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، **الکافی**، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.
۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، **تعلیم و تربیت در اسلام**، تهران، صدرا.
۱۳. وطن دوست، رضا (۱۳۸۸)، **مسئولیت پذیری و مسئولیت گریزی (فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه های اسلامی)**، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.